## جلسه 99-957

**یک‌شنبه - 16/02/1403**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

## بررسی شرایط سجود صلاتی در سجود تلاوت

بحث راجع به مسأله 16 بود که صاحب عروه فرمود در سجود تلاوت شرط هست قصد و نیت که اعم از قصد قربت و قصد عنوان سجود تلاوت بود که راجع به آن بحث کردیم، علاوه بر آن شرط هست اباحه مکان سجود و این‌که محل پیشانی از مواضع دیگر این شخص سجده کننده بیشتر از چهار انگشت بالاتر نباشد. راجع به وضع بقیه مساجد: کفین، ابهامین، رکبتین، احتیاط واجب است وضع بشود. وضع پیشانی بر ما یصح السجود علیه احتیاط واجب است. اما طهارت از حدث و خبث در آن شرط نیست، استقبال قبله شرط نیست، طهارت مهر که روی آن پیشانی‌اش را می‌‌گذارد شرط نیست، ستر عورت شرط نیست، این‌که ساترش اگر هست پاک باشد حریر نباشد، جلد میته نباشد این‌ها شرط نیست. بله نباید لباسش غصبی باشد، اگر سجده‌اش تصرف در آن لباس غصبی تلقی بشود.

ما در توضیح فرمایش صاحب عروه باید عرض کنیم که شرایط در سجود صلاتی بر سه قسم است: شرطی که مربوط است به نماز، چه سجود چه غیر سجود، مثل ستر، طهارت از حدث و خبث، استقبال قبله، این‌ها قطعا در نماز که شرط هستند در سجود تلاوت شرط نیستند، چون به عنوان سجود شرط نشدند به عنوان نماز شرط شدند در جمیع افعال صلات این‌ها شرط هستند و لذا با بدن لخت پشت به قبله سجده کند چه اشکال دارد؟ فقط مواظب باشد از او فیلم نگیرند!!

شرط دوم آنی است که شرط عقلی است برای سجود ماموربه. بنا بر امتناع اجتماع امر و نهی شرط سجود ماموربه این است که مکان سجود غصبی نباشد، اگر مکان سجود غصبی باشد بنا بر امتناع اجتماع امر و نهی این سجود مصداق غصب محرم است و دیگر اطلاق امر شامل آن نمی‌شود. یا اگر لباسش غصبی است و این سجودش مصداق تصرف در این لباس غصبی است این سجود می‌‌شود حرام به عنوان غصب. یا علت تامه غصب هم اگر باشد صاحب عروه می‌‌گوید باز این سجود مبغوض هست و صلاحیت عبادیت ندارد.

این بنا بر قول به امتناع اجتماع امر و نهی درست است ولی ما چون قائل به جواز اجتماع امر و نهی هستیم، فقط در عبادت عمدا می‌‌گوییم اگر سجده کند در مکان غصبی این عملش مبعد از مولاست و صلاحیت مقربیت ندارد، اگر سجود تلاوت هم به عنوان عبادت پذیرفته شد طبعا عمدا یا از روی جهل تقصیری در مکان غصبی سجده کند این سجده باطل است و باید اعاده کند.

[سؤال: ... جواب:] من به نظرم چون سجود تلاوت عبادت ذاتیه است نه عبادت به معنای ما یشترط فیه قصد القربة و لو عملا احتیاط کردیم ولی از نظر بحث استدلالی ما نظرمان این است که سجود تلاوت عبادت به معنای ما یعتبر فیه قصد القربة نیست دلیلی بر آن نداریم، عبادت ذاتیه است، در عبادت ذاتیه قصد قربت شرط نیست، عمدا هم در مکان مغصوب سجده کند مثل این‌که عمدا دفن کند میت را در مکان غصبی، عمدا فرض کنید ذبح کند حیوان را با چاقوی غصبی، مثل او می‌‌شود و از نظر ما مبطل نیست.

شرط سوم شرط تعبدی سجود بما هو سجودٌ‌ است. روایاتی داریم می‌‌گوید سجود باید این‌طور باشد، اگر استظهار این باشد که این شرط طبیعی سجود است فرقی نمی‌کند سجود تلاوت هم سجود است.

بحث در این شرط سوم است، ‌شرط اول محل بحث نیست، شرط دوم هم محل بحث نیست، شرط سوم محل بحث است از جهت صغروی که آیا این روایات که در شرایط سجود وارد شده انصراف دارد به سجود صلاتی یا طبیعی سجود را بیان می‌‌کند.

برخی معتقد به انصراف هستند. مثل آقا ضیاء می‌‌گوید فی اعتبار ازید من مسمی السجدة اشکال لعدم الدلیل فیکفی فی نفیها الاصل لولا الاطلاقات می‌‌گوید ما با اصالة البراءة بلکه با اطلاقات امر به سجود تلاوت نفی می‌‌کنیم این شرایط شرعیه را، ‌عرفا بگویند سجد کافی است.

یا امام می‌‌فرمایند الاقوی عدم اعتبار شیء مما ذکر غیر ما یتحقق به مسمی السجود و النیة. بله ایشان ادامه دادند که از یک روایت صحیحه ما استفاده کردیم که سجود بر مأکول و ملبوس جایز نیست و لذا عدم جواز سجود تلاوت بر مأکول و ملبوس خالی از وجه نیست که روایتش را خواهیم خواند.

در مقابل، نظر دومی هست که صاحب عروه قائلند، فتوا دادند ارتفاع محل سجده تلاوت، پیشانی شخص در سجده تلاوت از مکان این سجده‌گذار بیش از چهار انگشت اگر باشد فتوا داده صاحب عروه که این سجده باطل است. ولی احتیاط واجب کرده در وضع سایر مساجد و وضع پیشانی بر ما یصح السجود علیه.

آقای خوئی اشکال می‌‌کند می‌‌گوید فرقی این‌ها چیست؟ اگر انصراف هست در دلیل سجود به سجود صلاتی، آن دلیلی که می‌‌گوید باید سجود بر موضع مرتفع نباشد، آن دلیلی که می‌‌گوید سجود باید بر هفت موضع باشد انما السجود علی سبعة اعظم، آن دلیلی که می‌‌گوید انما السجود علی الارض او ما نبت من الارض اگر این‌ها انصراف دارند به سجود صلاتی همه‌شان انصراف دارند اگر انصراف ندارند هیچ‌کدام انصراف ندارند چرا در یکی فتوا می‌‌دهید به شرطیت عدم ارتفاع ولی در شرطیت وضع سایر مساجد یا وضع جبهه بر ما یصح السجود علیه احتیاط واجب می‌‌کنید. ایشان می‌‌فرماید ما همه این‌ها را احتیاط واجب می‌‌کنیم. البته تعبیر آقای خوئی این است که بعید نیست اطلاق، در بعضی از تقریرها این تشکیک بیشتر کردند در اطلاق و شبهه انصراف را تقویت کردند ولی در این تقریری که در موسوعه است می‌‌فرمایند بعید نیست اطلاق، خب اگر اطلاق بعید نیست باید همه این‌ها یکسال با آن‌ها برخورد بشود.

این اشکال آقای خوئی است.

آقای سیستانی فرمودند راجع به عدم ارتفاع پیشانی در سجود تلاوت اتفاقا ما می‌‌گوییم نه تنها فتوا ندهیم به شرطیت عدم الارتفاع بلکه احتیاط واجب هم نکنیم، حتی آقای خوئی احتیاط واجب کرده ما آن را هم قبول نداریم، می‌‌گوییم الاحوط الاولی، ‌احتیاط مستحب است ارتفاع نداشته باشد آن محل پیشانی در سجده تلاوت از سایر مواضع سجده‌گذار چون برای ایشان روشن است که دلیلش منحصر است به آنی که مختص می‌‌کند آن را به نماز، دو تا روایت مطرح است آنجا هر دو هم روایت ابن‌سنان است، یکی صحیحه ابن‌سنان جلد 6 صفحه 357 از وسائل هست: سألت اباعبدالله علیه السلام عن موضع جبهة الساجد أیکون ارفع من مقامه قال لا و لکن لیکن مستویا. آقای سیستانی ظاهرا می‌‌خواهند بگویند این به قرینه أیکون ارفع من مقامه مورد، مورد کسی است که مقام دارد، ‌انسان در نماز مقام دارد و لااقل این ما یصلح للقرینیة است که بگوییم این مختص به نماز است.

روایت دوم که معروف به صحیحه ابن‌سنان است ولی در آن نهدی هست که محل بحث بود آقای سیستانی وثاقتش را تایید نکرد آنجا دارد سألته عن السجود علی الارض المرتفع فقال اذا کان موضع جبهتک مرتفعا عن موضع بدنک قدر لبنة فلا بأس. اگر موضع جبهه مرتفع باشد از موضع بدنت به اندازۀ چهار انگشت یا کمتر نه بیشتر از چهار انگشت اشکالی ندارد آقای سیستانی که سند این روایت را اشکال می‌‌کند. ممکن است کسی دلالتش را هم اشکال کند که مفهوم این، این است که اگر موضع جبهه مرتفع بود از موضع بدن بیشتر از چهار انگشت ففیه بأس، آیا مفهوم جمله شرطیه اطلاق دارد؟ یا ففیه بأس و لو در خصوص نماز. ما که قبول نداریم مفهوم مطلق را برای جمله شرطیه ما حداقل این اشکال را می‌‌کنیم، ‌آقای سیستانی اشکال سندی می‌‌کند.

و لذا ما هم قبول داریم عدم ارتفاع پیشانی شرط در سجود تلاوت نیست.

این‌که ما بگوییم ظاهر عرفی‌اش این است که کیفیت سجود را شارع اندازه‌گیری کرده است که مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری در کلمات‌شان بود این روشن نیست، شاید شرط تعبدی است برای خصوص سجود صلاتی نه این‌که دائما اندازه‌گیری سجود از نظر شارع چه در نماز چه در غیر نماز این‌گونه باشد.

اما آقای سیستانی راجع به وضع مواضع سبعه هم بر زمین در سجود تلاوت، آنجا هم فرمودند دلیلی بر وجوب آن نیست چون دارند و کذا فی وضع سائر المساجد، آن هم می‌‌گویند دلیل بر وجوبش حتی به‌نحو احتیاط واجب هم ایشان فرمودند ما نمی‌گوییم وضع غیر از پیشانی وضع کفین و ابهامین و رکبتین واجب است، احتیاط واجب است، ‌نخیر، احتیاط مستحب است. اینجا چرا؟ با این‌که روایت داریم انما السجود علی سبعة اعظم، روایت صحیحه هم بود، سجود مشروط است به این‌که بر هفت عضو باشد نگفت السجود فی الصلاة که. اما آقای سیستانی بحث ادعای انصراف را مطرح نمی‌کنند چون اگر ادعای انصراف مطرح بود، در وضع الجبهة علی ما یصح السجود علیه هم چرا آنجا احتیاط واجب کردند چرا فرق گذاشتند؟

دو احتمال هست برای فرق‌گذاشتن ایشان بین وضع مواضع سبعه که احتیاط مستحب کردند با این‌که دلیلش می‌‌گوید انما السجود علی سبعة اعظم و بین وضع پیشانی بر ما یصح السجود علیه که آنجا احتیاط واجب کردند، دو وجه می‌‌شود برای فرق بین این دو ذکر کرد، ببینیم درس است این دو وجه:

وجه اول این است که ما انصراف را کلا بپذیریم بگوییم روایات در شرط سجود در ابواب نماز چون مطرح شده همین کافی است که دیگر نتوانیم اطلاق‌گیری کنیم. آقای سیستانی یک مبنایی دارند می‌‌گویند اگر یک روایت ظاهرش مطلق است، ‌عمد الصبی و خطاءه واحد، اما در کدام باب ذکر شده؟ در باب کون جنایة الصبی علی العاقلة، همین که در آن باب ذکر شده شاید یک قرینه‌ای بوده در این روایت که او را مختص می‌‌کرده به ابواب جنایات و حذف شد آن قرینه اکتفا کردند به آن تیتر باب و این روایات مانحن‌فیه هم همین‌جور است در باب سجود فی الصلاة‌ ذکر شده. پس ممکن است ایشان بگویند انصراف را ما قبول داریم ولی چرا در وضع الجبهة علی ما یصح السجود علیه احتیاط واجب می‌‌کنیم؟ به‌خاطر تعلیلی که در صحیحه هشام ذکر کرده، جلد 5 وسائل صفحه 343: اخبرنی عما یجوز السجود علیه و عما لا یجوز قال السجود لا یجوز الا علی الارض أو علی ما انبتت الارض الا ما أکل أو لبس، حضرت تعلیل کرد فرمود ان ابناء الدنیا عبید ما یأکلون و یلبسون و الساجد فی سجوده فی عبادة الله، ‌ندارد الساجد فی سجوده فی الصلاة، الساجد فی سجوده فی عبادة الله، ‌همان عبادت ذاتیه‌ای که گفتیم، ‌فلا ینبغی ان یضع جبهته علی معبود ابناء الدنیا الذین اغتروا بغرورها، حالا بعضی‌ها مثل امام و آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری از این روایت خصوص این‌که سجود بر مأکول و ملبوس نکند استفاده کردند، حالا آقای سیستانی ممکن است بگویند این مثال است برای مطلق متاع دنیا، فقط زمین، گیاهان زمین غیر مأکول و ملبوس، این‌ها مجاز است بر آن‌ها سجده. این یک توجیه.

البته اشکالش این است که این در خصوص مأکول و ملبوس است چرا تعدی کنیم به چیزهای دیگر، ‌سجده می‌‌کند روی فرش، فرش که مأکول و ملبوس نیست، پلاستیک که مأکول و ملبوس نیست. تعلیل شاید از باب حکمت باشد.

[سؤال: ... جواب:] فرض این است که شما السجود را منصرف اگر گرفتید به سجود صلاتی، اگر منصرف نمی‌دانید خب انما السجود علی سبعة اعظم هم بگویید منصرف نیست، می‌‌گوییم وجه اول این است که بگوییم انصراف را قبول داریم ولی این تعلیل معمم است این تعلیل در مأکول و ملبوس است به قول امام چرا تعدی کنیم به غیر مأکول و ملبوس؟ ... [می گویید] صور متعارف چیه؟... روایت این است دیگر: ان ابناء الدنیا یأکلون و یلبسون. ... همین کافی است دیگر، خیلی از چیزها مأکول و ملبوس است یا مأکول است یا ملبوس، یا زمین است یا گیاه است، حالا چند تا مثال پیدا کنید فرش و پلاستیک، معمولا اشیاء یا مأکول و ملبوس است یا ارض است یا انبتت الارض است من غیر ان یؤکل و یلبس است، همین مقدار کافی است برای صحت تعلیل.

و لکن این وجه اول کلا درست نیست به نظر ما، ما هیچ وجهی برای انصراف نمی‌بینیم، انما السجود علی سبعة اعظم، ‌چه وجهی دارد انصراف؟ قدرمتیقن در مقام تخاطب هم به نظر ما ندارد اگر هم داشت مانع از اطلاق نبود، قدرمتیقن در مقام تخاطب این است که ذهن عرف منصرف بشود به سجود صلاتی، مگر سجود منحصر به سجود صلاتی هست؟

[سؤال: ... جواب:] حالا آقای بروجردی این مطلب را دارند که مثلا قدمای اصحاب هم قائل نشدند به شرطیت این شرایط سجود صلاتی در سجود تلاوت ولی حالا در کتب مشتمل بر اصول متلقات باید تصریح بشود به این مطالب و الا در کتب مشتمل بر مسائل تفریعیه مثل خلاف و مبسوط و این‌ها که موجب انصراف یا شبهه انصراف نمی‌شود.

اما این فرمایش آقای سیستانی که در اصول مطرح کردند اینجا من ندیدم، در اصول مطرح کردند که ادارج یک حدیثی در باب موجب اجمال آن حدیث می‌‌شود نسبت به غیر آن باب، اگر واقعا ما یصلح للقرینیة باشد درست است ولی آخه انسان وثوق پیدا می‌‌کند، ‌مثلا این‌که می‌‌گوید عمد الصبی و خطاءه واحد این چه تعمدی دارد مثلا یک قرینه‌ای بوده که مختص به جنایات صبی است آن قرینه را حذف کند اعتماد کند به عنوان باب.

[سؤال: ... جواب:] قرینه مقامی اگر بوده صدوق یا شیخ چه جور این قرینه مقامیه را کشف کرده ما‌ها کشف نمی‌توانیم بکنیم.

بهرحال این روایات سجود علی ما یصح السجود را انتظار دارید علما در چه بابی ذکر کنند؟ خب در همین باب سجود ذکر کردند دیگر، توقع نیست در باب دیگر ذکر کنند. آن وقت یک روایت نیست دو روایت نیست در همه این‌ها قرینه بوده و حذف شده اینجا هم ممکن است ایشان نگویند چون چندین روایت است هر چی روایت تعدادش زیادتر باشد احتمال حذف قرینه از کل این روایات ضعیف‌تر می‌‌شود. پس ما اصل انصراف را قبول نداریم، ‌هیچ انصرافی السجود علی سبعة‌ اعظم، ‌انما السجود علی الارض ‌أو ما انبتت الارض الا ما أکل أو لبس هیچ انصرافی به سجود صلاتی ندارد.

[سؤال: ... جواب:] اطلاق دارد، ظاهرش این است که شرط سجود است، انما السجود علی سبعة اعظم، لا تسجد الا علی الارض أو ما انبتت الارض، السجود لا یجوز الا علی الارض أو علی ما انبتت الارض الا ما أکل أو لبس، ‌در همین صحیحه هشام بود، ‌نفرمود السجود فی الصلاة. فرق می‌‌کند با شرطیت ستر، شرطیت استقبال قبله، آن‌ها بله، آن‌ها شرط نماز است.

[سؤال: ... جواب:] اخبرنی عما یجوز السجود علیه و عما لا یجوز قال السجود لا یجوز الا علی الارض أو علی ما انبتت الارض. ... سؤال می‌‌کند ما یجوز السجود علیه و عما لا یجوز مگر فقط سجده نماز است، سجده تلاوت ما داریم سجده سهو داریم این‌ها که سجده‌های واجبه هستند.

وجه دوم: وجه دوم این است که گفته می‌‌شود در مقام روایتی هست از این روایت می‌‌فهمیم وضع سایر مساجد قطعا لازم نیست در سجده تلاوت، صحیحه حلبی، وسائل جلد 6 صفحه 248: عن ابی عبدالله علیه السلام قال سألته عن الرجل یقرأ السجدة و هو علی ظهر دابته قال یسجد حیث توجهت به فان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یصلی علی ناقته و هو مستقبل المدینة یعنی رو به قبله نبود حضرت، یقول الله عز و جل فاینما تولوا فثم وجه الله. می‌‌گوید از امام علیه السلام پرسیدم کسی آیه سجده را می‌‌خواند روی دابه‌اش حضرت فرمود به هر سمتی هست سجده کند، یعنی روی دابه‌اش دیگر، و لو رو به قبله نباشد، پیامبر هم روی ناقه‌شان‌ که نماز می‌‌خواندند پشت به قبله بودند، ‌مستقبل المدینة بودند نماز می‌‌خواندند، قرآن هم که می‌‌گوید فاینما تولوا فثم وجه الله.

این روایت دو بحث دارد یکی بحث دلالی یک بحث سندی:

بحث دلالی بعضی‌ها مثل آقای خوئی می‌‌گویند این انصراف دارد به سجده مستحبه. چرا؟ برای این‌که تعلیل به نماز پیامبر مفید همین است، پیامبر مگر نماز واجب را می‌‌خواند روی ناقه‌اش؟ نماز مستحب را می‌‌خواند. و استشهاد هم که امام می‌‌فرماید به فاینما تولوا فثم وجه الله مربوط به نماز مستحب است. این سجده هم به قرینۀ این نماز پیامبر انصراف می‌‌کند به سجدۀ مستحبه. یعنی الرجل یقرأ‌ السجدة را آقای خوئی می‌‌گوید حمل می‌‌کنیم بر آیات سجده مستحبه.

این یک اشکال که آقای خوئی مطرح می‌‌کند.

انصافا این اشکال قابل ایراد است برای این‌که امام جواب داد یسجد حیث توجههت به و عرفا ممکن است بگوییم حمل این یسمع السجدة بر آیات سجده مستحبه اخراج آن قدرمتیقن هست، حالا این را داشته باشید تا بعدا بحث کنیم.

[سؤال: ... جواب:] تعلیل‌ها را گاهی ما نمی‌فهمیم، پیغمبر هم نماز می‌‌خواندند روی ناقه‌شان رو به قبله هم نبودند، مگر سجده واجبه را باید رو به قبله بخوانیم؟ سجده واجبه هم که لازم نیست رو به قبله بخوانیم. حیث توجههت به تعلیل فان رسول الله که بعدش هست مربوط به حیث توجههت به است نه مربوط به این‌که وضع سایر مساجد لازم نیست. این‌که سجده رو به قبله لازم نیست همه جا استشهاد می‌‌کند به فعل پیامبر، پیامبر نماز مستحبش را رو به قبله نمی‌خواند ولی سجده می‌‌کرد در نماز مستحب. پس شرط سجده این نیست که رو به قبله باشد شاید برای او هست.

اما این‌که پیامبر یا هر کس دیگر آیه سجده را بخوانند روی دابه همآنجا سجده کنند، عادتا وضع مواضع سبعه نمی‌کنند دیگر، ‌آخه روی دابه، آدم فوقش پیشانی‌اش را می‌‌گذارد روی آن گردن دابه، دیگر وضع مواضع سبعه رکبتین و ابهامین و کفین و این‌ها که نمی‌گذارد روی دابه، عادتا این‌جور است، بله اگر محمل بود فرق می‌‌کرد، ‌این‌که محمل نیست. و هو علی ظهر دابته نه و هو فی محمل.

[سؤال: ... جواب:] ظاهرش این است دیگر، ‌خود پیامبر مگر محمل داشت؟ ... پیامبر یجلس جلسة العبید، شاید رکوب‌شان هم همین‌جور است اصلا تشریفات نداشت پیغمبر کان یجلس جلسة العبید خیلی است، ‌ظاهرا در رکوب پیامبر هم هست که خیلی متعارف می‌‌نشست، محمل بگذارد و هودج بگذارد این حرف‌ها نبود.

[سؤال: ... جواب:] الرجل یقرأ السجدة و هو علی ظهر دابته متعارف این است که نمی‌تواند مواضع سبعه‌اش را روی زمین بگذارد.

این یک اشکال دلالی. اشکال دلالی دوم این است که گفته می‌‌شود فوقش در حال رکوب دابه شرط سجده این نیست که وضع مواضع سبعه بکنید اما شاید موقعی که روی زمین هستید شرط باشد.

[سؤال: ... جواب:] راوی می‌‌گوید الرجل یقرأ السجدة‌ و هو علی ظاهر دابته قال یسجد حیث توجههت به لزومی ندارد از دابه‌اش پیاده بشود همآنجا سجده کند اما اگر پیاده شد مواضع سبعه را نگذارد روی زمین، این را که ندارد.

این را ممکن است جواب بدهیم اگر واجب بود وضع مواضع سبعه متفاهم عرفی این بود که پیاده بشود تا آن شرط واجب را استیفا بکنی، عرفی‌اش این است، عقلی بحث نمی‌کنیم تا بگویید شرط واجب است در هنگامی که سجده می‌‌کنید روی زمین، عقلا درست می‌‌گویید شما، ‌ممکن است مختص باشد در این حال ولی متفاهم عرفی از این‌که می‌‌توانی اختیارا روی دابه سجده کنی یعنی آن شرایط لازمه را استیفا می‌‌کنی با این کار. بعید نیست متفاهم عرفی این باشد.

[سؤال: ... جواب:] خصوصیت مشی است. ... روی زمین نه چون ماشی نیست، ‌اگر ماشی بود سجده ماشی ایمایی است دیگر. ... این سجده واجبه است. نماز مستحب اصلا مجازیم اختیارا در حال مشی نماز بخوانیم، ‌حالا آقای سیستانی می‌‌گویند عرفا مشی در طریق صدق کند احتیاطا نه این‌که در خانه‌ات، خدا رحمت کند یک آقایی بود با او گعده می‌‌کردیم تا اذان صبح در ماه رمضان دیدیم بلند شده هی کتاب را جابه‌جا می‌‌کند این کتاب را برمی دارد آن کتاب را می‌‌گذارد حرف هم با خودش می‌‌زند، یک چند روز بعد فهمیدیم این نماز شب این‌جوری می‌‌خواند، این خلاف احتیاط است آدم در خانه‌اش این‌جوری عمدا راه برود نماز شب را در حال حرکت بخواند. حالا این نماز مستحب در حال مشی در طریق می‌‌تواند بخواند اما سجده واجبه تلاوت چی.

اشکال سوم این است که گفته می‌‌شود نسبت بین این روایت و روایات شرطیت این شرایط در سجود نسبت عموم من وجه است چون آن شرایط که در سجود مستحب نیست در سجود مستحب هر کاری خواستی بکن، ‌انما السجود علی سبعة اعظم، ‌سبعة منها فرض و ارغام الانف سنة آن‌ها که سجده مستحب را که نمی‌گوید، سجده مستحب، سجده شکر، حتما باید دست هایم را بزنم زمین، پس آن روایات گفته می‌‌شود منحصر به سجده واجب چه در نماز چه در غیر نماز، پس اطلاقش سجده واجب را می‌‌گیرد چه نماز چه غیر نماز، این روایت هم سجده تلاوت را می‌‌گیرد چه مستحب چه واجب، در مورد سجده واجب تلاوت نسبت عموم من وجه می‌‌شود این هم اشکال سوم.

اشکال مهم‌تر اشکال سندی است. جعفر بن محمد مسرور در سند آقای خوئی می‌‌گوید توثیق ندارد، او هم یک گرفتاری است، این‌ها را ان‌شاءالله فردا دنبال می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.